

راهنمای زمان

جشن‌ها و گردهمایی‌های ملی ایران باستان

رضا مرادی غیاث آبادی

برگرفته از کتابی به همین نام از این نگارنده (چاپ 1384)



پیشگفتار

یکی از نکته‌هایی که در سال‌های اخیر و در بسیاری از نشست‌ها و سخنرانی‌ها به فراوانی پرسیده می‌شود، زمان درست و دقیق برگزاری جشن‌ها، گردهمایی‌ها و آیین‌های ملی ایران باستان است. پرسش‌های فراوان در این باره نشان‌دهنده توجه مردم و به ویژه جوانان به شناخت و برگزاری آیین‌های کهن، و از سوی دیگر نشان‌دهنده سردرگمی آنان در میان تقویم‌ها و روایت‌های تاریخی متعدد و متناقض است. به ویژه که دیده می‌شود برای برگزاری جشن‌ها و گردهمایی‌های ایرانی و یا گفتگو و تحلیل در باره آن، گاه از ابزار نوساخته‌ای بنام «سالنمای دینی زرتشتیان» استفاده می‌شود که در چند سال اخیر با دستکاری در گاهشماری ملی ایران تهیه شده و دارای سابقه تاریخی در ایران نیست.

<http://www.ghiasabadi.com/salnamayeDini.html>

همچنین بنگرید به مجموعه دیدگاه‌ها در باره زمان جشن اسفندگان و دیگر جشن‌های ایرانی در خبرگزاری میراث فرهنگی.

<http://www.chn.ir/news/?section=2&id=44977>

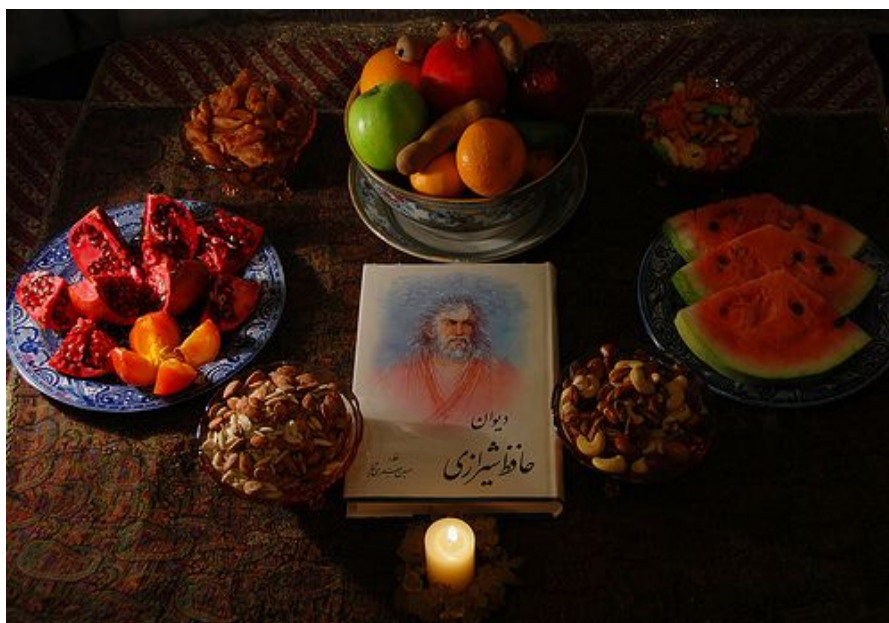
هدف اصلی از این نوشتار، پاسخی کوتاه و کاربردی به پرسش بالا است. نگارنده قصد ندارد تا با تحلیل‌های پردامنه تقویمی

و تاریخی، از جنبه کاربردی این نوشتار بکاهد و یا با ارائه جدول‌های پیچیده و دشوارفهم، راه دستیابی آسان را برای دوستداران آیین‌های ایرانی دشوارتر سازد.

در بخش نخست به ویژگی‌های عمومی جشن‌های ایرانی اشاره می‌شود و در بخش دوم، نام و هنگام جشن‌ها و گردهمایی‌ها و همچنین توضیحی کوتاه در باره هر یک از آنها خواهد آمد. کوشش شده تا در این بخش به بیشتر جشن‌های شناخته شده و یا فراموش شده‌ای که در متون و منابع ایرانی به آنها اشاره رفته و همچنین پاره‌ای جشن‌های قومی یا محلی پرداخته شود.

نگاهی گذرا به این بخش نشان می‌دهد که شمار جشن‌های ایرانی چه بسیار بیشتر از تعداد متداول شناخته شده فعلی آن است. این بخش به ویژه در زمینه جشن‌ها و مناسبت‌های محلی، کمبودهای فراوانی دارد. امیدواریم در آینده و با یاری خوانندگان و هم‌میهنانی از سراسر ایران بزرگ، این بخش را کامل‌تر کنیم.

در بخش سوم به جشن‌هایی پرداخته می‌شود که در سرشت خود هیچگاه در روز خاصی تثبیت نمی‌شوند و با توجه به روز هفته، رویدادهای کیهانی و طبیعی، و یا رخدادهایی در زندگی زراعی، نظم و قاعده ویژه خود را دارند.



سفره شب یلدا

ویژگی‌های عمومی جشن‌های ایرانی

بررسی جشن‌های ایرانی و زمان برگزاری آنها نشان‌دهنده ویژگی‌هایی مشترک در میان همه آنهاست. نخست اینکه تقریباً همگی در پیوند با پدیده‌های طبیعی و کیهانی و اقلیمی هستند و به همین دلیل کوشش شده است تا زمان برگزاری آنها هر چه بیشتر با تقویم طبیعی منطبق باشد.

دوم اینکه تقریباً هیچکدام برگرفته از دستورهای دینی نیستند. با اینکه همواره پیروان ادیان گوناگون تلاش کرده‌اند که برخی از آنها را مراسم دینی خود معرفی کنند؛ اما نمی‌توان آنها را متعلق به هیچ دینی دانست.

سومین ویژگی گردهمایی‌ها و مراسم ایرانی در این است که با سرور و شادی همراه هستند و غم و اشک و گریه در آنها جایی ندارد. حتی مراسم عید «بمو» در میان مانویان که اتفاقاً همزمان با روز جانباختن مانی بوده، همراه با سرود و شادی برگزار می‌شده است.

چهارمین ویژگی جشن‌ها و مراسم ایرانی در احترام و پاسداشت همه مظاهر طبیعت است. در هیچکدام آیین‌های ایرانی اثری از خشونت و بدرفتاری نسبت به گیاهان و حیوانات دیده نمی‌شود. بلکه حتی با آیین‌هایی همراه است که به انگیزه پاکیزگی و پاسداری از محیط زیست برگزار می‌شود. بگذریم از اینکه امروزه، روز سیزده‌بدر، برآستی روز سوگ طبیعت و تخریب و تباهی و آلودگی آن شده است. بر این باورم که برای ایزد بانوی زمین، روز سیزده‌بدر غم‌انگیزترین روزهای سال است.

ویژگی پنجم، پیوند ناگسستنی جشن‌های ایرانی با آتش است. حتی اگر آن جشن پیوند چندانی با آتش نداشته باشد، اما عموماً اخگری کوچک به آن رسمیت و تقدسی بیشتر می‌بخشد.

ششمین ویژگی عمومی جشن‌ها و مراسم ایرانی چنین است که با زادروز یا سالمرگ کسی در پیوند نیست و آنگونه که از متون کهن همچون شاهنامه بر می‌آید، برای ایرانیان زادروز کسی اهمیتی فراوان نداشته و به ندرت آنرا ثبت می‌کرده‌اند؛ چرا که هر کسی در روزی زایش یافته و در روزی در می‌گذرد. آنچه برای ایرانیان با ارزش بوده و آنرا ثبت کرده و گاه جشن می‌گرفته‌اند، «انجام کاری بزرگ» بوده است که نمونه‌های آنرا در شاهنامه فردوسی می‌بینیم. می‌دانیم که فردوسی نیز تنها به ثبت زمان پایان کار بزرگ خود که همانا «سرایش شاهنامه» باشد، بسنده کرده و از یادآوری صریح زادروز خود خودداری کرده است.

هفتمین ویژگی‌های عمومی در گستردگی مراسم است. ایرانیان جشن‌ها و آیین‌های میهنی خود را به گونه‌ای یکپارچه و با همبستگی و همزیستی شگفت‌انگیزی برگزار کرده و تفاوت‌های قومی و دینی و زبانی را عامل بازدارنده این یگانگی نمی‌دانسته‌اند. آیین‌های ایرانی متعلق به همه ایرانیان است و همه برای نگاهبانی از آن کوشیده‌اند. کسانی که با تعصب‌های نابجای دینی یا قومی نقش خود در پاسداری فرهنگ ایران بیشتر از دیگران می‌دانند، به این همبستگی باشکوه مردمان ایرانی آسیب می‌زنند.

گاهنمای جشن‌ها و مناسبت‌های ملی ایران

این گاهنما برابر و مطابق با گاهشماری ایرانی (شهریاری) است که با تغییر مبدأ سالشماری، با نام «هجری خورشیدی / شمسی شناخته می‌شود و می‌توان بدون هیچگونه تغییری در همه سال‌ها از آن بهره‌برداری کرد.

فروردین ماه

یکم فروردین / اورمزد روز روز جشن بزرگ «نوروز» در اعتدال بهاری و آغاز فصل بهار. نوروز و آغاز سال نو، مناسبت‌های جداگانه‌ای هستند که با یکدیگر همزمان شده‌اند. نمونه‌های دیگری از آغاز سال نو در ادامه گاهنما خواهد آمد.

در سغد باستان (و امروزه در میان ارمنیان) از نوروز با نام «نوسَرْد / نوسَرْد / نوسَرِد» یاد می‌شده است که معنای «سال نو» را می‌دهد. (در اوستایی «سَرِدَه» به معنای سال خورشیدی). در بدخشان با نام «شگون‌بهار»، در «شُغنان» (در تاجیکستان در کرانه رود «پنج») بنام «خِدر ایام» (بزرگترین روزها) و در بابل باستان و در نخستین روز ماه «نیسان» بنام جشن «اکیتو» (سومری «زگموک») شناخته می‌شده است.

با شکوه‌ترین مراسم نوروزی، امروزه با نام‌های «سیرلاله (جشن گل لاله) / جَنده بالا (بالا کردن درفش)» در شهر مزارشریف افغانستان (آریانای باستان) و در نزدیکی بلخ کهن، همراه با برافراشتن درفشی برگرفته از درفش کاویانی ایران، برگزار می‌شود. این آیین با انبوهی از ترانه‌خوانی‌ها، بازی‌ها و مراسم دیگر همراه است. آیین‌های پیش از فرا رسیدن نوروز نیز فراوان و پر اهمیت هستند (← اسفندماه).

ششم فروردین / خرداد روز روز «امید»، روز «اسپیدا نوشت» یا روز «نوروز بزرگ» (این نام جدیدتر است). از روزهای خجسته ایرانیان، همراه با شادی و آب‌پاشی، و آغاز سال نو در تقویم سغدی و خوارزمی.

در متن پهلوی «ماه فروردین، روز خرداد» رویدادهای بسیاری به این روز منسوب شده است؛ از جمله: پیدایی کیومرث و هوشنگ، رویدن مشی و مشیانه، تیراندازی آرش شیواتیر، غلبه سام نریمان بر اژدهاک، پیدایی دوباره شاه کیخسرو (از جاودانان در باورهای ایرانی) و همپُرسگی زرتشت با اهورامزدا. نام «روز امید» بخاطر انتظار پیدایی دوباره کیخسرو و دیگر جاودانان و نجات‌بخشان (سوشیانت‌ها)، به این روز داده شده است.

نام «اسپیدا نوشت»، از آیین نامه‌نویسی در این روز گرفته شده است که آگاهی بیشتری از آن در دست نیست. گمان می‌رود با پیام‌های شادباش نوروزی در پیوند باشد.

دهم فروردین / آبان روز جشن «آبانگاه»، نخستین آبان‌روز سال و به روایت «برهان قاطع» (جلد 1، ص 3) انجام جشنی به همین نام، همراه با آب‌پاشی و انتظار بارش باران.

سیزدهم فروردین / تیر روز جشن «سیزده بدر»، نخستین تیرروز سال و آغاز کشاورزی در سال نو. آیین نخستین روز کشت و کار با گردآمدن در زمین زراعی و آرزوی بارش باران و فرارسیدن سالی خوب و خرم.

در سیستان در این روز به زیارت نیایشگاه بسیار کهن و پر رمز و راز «خواجه غلطان» در بالای کوه «خواجه» و در میانه دریاچه «هامون» می‌روند. (← آخرین روز سال)

هفدهم فروردین / سروش روز هنگام جشن «سروشگان» یا جشن «هفده روز» در ستایش «سَرکُوشَه / سروش»، ایزد پیام‌آور خداوند و نگاهبان «بیداری»؛ روز گرامیداشت «خروس» و به ویژه خروس سپید که از گرامی‌ترین جانوران در نزد ایرانیان بشمار می‌رفته و به سبب بانگ بامدادی، نماد سروش دانسته می‌شده است.

نوزدهم فروردین / فروردین روز جشن «فروردینگان»، جشن گرامیداشت فرورهر / فرَوهر در گذشتگان.

اردیبهشت ماه

دوم اردیبهشت / بهمن روز جشن گردآوری گل‌ها و گیاهان دارویی از صحرا.

سوم اردیبهشت / اردیبهشت روز جشن «اردیبهشتگان»، جشنی در ستایش و گرامیداشت «اردیبهشت» (در اوستایی «آشَه‌وَهیشتَه»، در پهلوی «آرت‌وَهیشت») به معنای «بهترین راستی» و بعدها نام یکی از آَمشاسپندان (جاودانان مقدس). کوشیار گیلی در «زیج جامع» از آن با نام «گلستان جشن» یاد کرده است. اردیبهشت همچنین نگاهبان آتش است؛ چرا که آتش بهترین جلوه‌گاه راستی و پاکی بشمار می‌رفته است.

دهم اردیبهشت / آبان روز جشن چهلم نوروز در شیراز و در کنار «حوض ماهی» سعدی.

پانزدهم اردیبهشت / دی به مهر روز جشن میانه فصل بهار و زمان گاه‌نباری بنام «میدوزرم» در اوستایی «مَئذیوئی زَرَمیه» به معنای «میانه بهار / میانه فصل سبز». البته میانه بهار با شانزدهم اردیبهشت برابر است؛ اما در گذشته و حتی امروزه، عملاً پانزدهمین روز ماه دوم هر فصل به عنوان میانه هر فصل شناخته می‌شود.

جشن‌های گاه‌نباری (پاره‌های سال / موسم‌های سالیانه)، ادامه و بازمانده‌ای از نوعی تقویم کهن در ایران باستان است که طول سال خورشیدی را نه به دوازده ماه خورشیدی، بلکه به چهار فصل و چهار نیم‌فصل تقسیم می‌کرده‌اند و هر یک از این بازه‌های زمانی، نام و جشنی ویژه به همراه داشته است.

سال گاه‌نباری از هنگام انقلاب تابستانی یا نخستین روز تابستان آغاز می‌شده و پس از هفت پاره زمانی، یعنی سه پایان فصل و چهار میانه فصل، به آغاز سال بعدی می‌رسیده است (پایان بهار یا آغاز تابستان مانند دیگر فصل‌ها، دارای جشن گاه‌نباری نبوده و تنها به عنوان جشن آغاز سال نو بشمار می‌رفته است).

خرداد ماه

یکم خرداد / اورمزد روز جشن «ارغاسوان / اریجاسوان»، نام یکی از جشن‌های خوارزمی است که بیرونی نام شماری از آنها را همراه با جشن‌های سغدی در «آثارالباقیه» (فصل‌های دهم تا دوازدهم) آورده است. بی‌گمان هیچیک از هر دو تلفظ یاد شده در نسخه‌های خطی آثارالباقیه درست نیستند و در مرور زمان به دلیل نبود آشنایی کاتبان با نام‌های کهن، شکل صحیح خود را از دست داده‌اند. امروزه حتی تلفظ صحیح این نام‌ها نیز معمولاً امکان‌پذیر نیست، اما بیرونی معنای آنرا «نزدیک شدن گرما» می‌داند. به روایت آثارالباقیه این جشن در نخستین روز ماه «هروداد» که شکل خوارزمی «خرداد» است، همزمان با کاشت کنجد برگزار می‌شده است. او این جشن را به دورانی کهن منسوب می‌دارد.

امروزه همچنان کاشت کنجد، پنبه، کرچک و دیگر دانه‌های روغنی در استان‌های مرکزی ایران و گاه همراه با مراسمی در «شصت بهار» انجام می‌شود.

ششم خرداد / خردادروز جشن «خردادگان»، جشنی در ستایش و گرامیداشت «خرداد» (در اوستایی «هَئورَوَتات»، در پهلوی «خُردات») به معنای رسایی و کمال و بعدها نام یک از آمشاسپندان.

بیست‌ونهم خرداد / مانتره سپند روز برابر با بیست‌وششم نوزدهم ماه طبری / تبری و پنج روز مانده به سال نو طبری. این جشن را مردمان سوادکوه مازندران «عیدماه» می‌نامند و با آتش‌افروزی بر بلندی‌ها به شادی و بازی‌های گروهی می‌پردازند و گاه می‌کوشند تا جشن عروسی خود را در این هنگام برگزار کنند.

سی و یکم خرداد / روز زیادی روز پایان سال در تقویم گاهنباری و آخرین روز فصل بهار. در پایان این روز و آغاز تابستان خورشید به بالاترین جایگاه خود می‌رسد که نام «خرداد» به معنای رسایی و کمال به همین مناسبت به این ماه داده شده است.

به دلیل اینکه این زمان مصادف با جشن‌های آغاز سال نو در تقویم گاهنباری بوده است، همانند پایان دیگر فصل‌ها دارای جشن ویژه پایان فصل نمی‌باشد.

بازمانده‌هایی از جشن‌های آغاز سال نو و آغاز تابستان هنوز در برخی آیین‌های ایرانی باقی مانده است (← جشن آغاز تابستان).

تیر ماه

یکم تیر / اورمزد روز جشن آغاز تابستان، انقلاب تابستانی، رسیدن خورشیدن به بالاترین جایگاه و آغاز سال نو در گاهشماری گاهنباری (← جشن میانه بهار). برگزاری جشن آغاز تابستان هنوز در برخی نواحی ایران همراه با گردهمایی و مراسم آب‌پاشی و آبریزگان، در صحرا برگزار می‌شود.

ششم تیر / خرداد روز روز برگزاری جشنی به نام «نیلوفر» که امروزه بسیار ناشناخته مانده است. شاید به مناسبت شکوفا شدن گل‌های نیلوفر در اوایل تابستان باشد.

سیزدهم تیر / تیر روز روز جشن «تیرگان»، از بزرگترین جشن‌های ایران باستان در ستایش و گرامی‌داشت «تیشتر/ تیر» (شبه‌هنگ / شِعْرای یمانی)، ستاره باران‌آور در باورهای مردمی، و درخشان‌ترین ستاره آسمان که در نیمه دوم سال و همزمان با افزایش بارندگی‌ها در آسمان سرِ شبی دیده می‌شود.

این جشن در کنار آب‌ها، همراه با مراسمی وابسته با آب و آب‌پاشی و آرزوی بارش باران در سال پیش‌رو همراه بوده و همچون دیگر جشن‌هایی که با آب در پیوند هستند، با نام عمومی «آبریزگان/ آب‌پاشان/ سر شوران» یاد شده است.

در گذشته «تیرگان» روز بزرگداشت نویسندگان و گاه به «روز آرش شیواتیر» منسوب شده است. بیرونی و همچنین گردیزی در «زین الاخبار» ناپدید شدن یکی از جاودانان ایرانی یعنی کیخسرو را در این روز و پس از شستشوی خود در آب چشمه‌ای، دانسته‌اند.

جشن تیرگان بجز این در سیزدهم فروردین (← سیزده‌بدر) و سیزدهم مهر نیز برگزار می‌شود. ارمینان ایران نیز در روز سیزدهم ژانویه آیین‌هایی را برگزار می‌کنند که برگرفته و ادامه جشن تیرگان است.

پانزدهم تیر / دی به مهر روز جشن خام‌خواری یا به روایت بیرونی «عمس (غفس؟) خواره» در سُغد باستان و دوری گزیدن از خوراک حیوانی و پختنی‌ها. در تقویم سغدی برابر با پانزدهمین روز ماه «بساکنج».

مرداد ماه

نام این ماه در اصل «امِرتات» و بعدها «امُرداد»، اما بیش از هزار سال است که در ادبیات فارسی (و از جمله در شاهنامه فردوسی) بگونه «مُرداد» بکار رفته و شناخته شده است و کاربرد آن به همین گونه اشتباه نمی‌باشد. اصرار در نگارش آن به گونه «امرداد» لازم بنظر نمی‌رسد؛ چرا که در اینصورت می‌بایست در نگارش بسیاری دیگر از نام‌های متداول در زبان فارسی مانند بهمن و اسفند نیز تجدیدنظر کرد و این شیوه موجب گسستگی تاریخی زبان فارسی می‌شود.

دوم مرداد / بهمن روز نخستین روز از فروردین ماه («فردینه‌ماه») و آغاز سال نو در تقویم طبری.

هفتم مرداد / مرداد روز جشن «مردادگان» جشنی در ستایش و گرامیداشت «مُرداد» (در اوستایی «امِرتات»، در پهلوی «اُمرداد») به معنای بی‌مرگی و جاودانگی و بعدها نام یکی از اُمشاسپندان. همچنین مرداد در باورهای ایرانی نگاهبان گیاهان و رستنی‌ها بشمار می‌رود.

دهم مرداد / آبان روز جشن «چله تابستان» که امروزه از جمله در روستاهای جنوب خراسان برگزار می‌شود.

پانزدهم مرداد / دی به مهر روز جشن میانه فصل تابستان و زمان گاهنباری بنام «مید یوشیم» در اوستایی «مئید یوئی شِمَه» به معنای «میانه تابستان».

هفدهم مرداد / سروش روز نخستین روز از «نوروزماه» گیلانی و آغاز سال نو در تقویم ذیلمی.

هجدهم مرداد / رشن روز جشن «می خواره» جشن آشامیدن نوشیدنی‌های گوناگون در سُغد باستان. در تقویم سغدی برابر است با هجدهمین روز ماه پنجم یا («اشناخندا / اشتاخندا»).

شهریور ماه

یکم شهریور / اورمزد روز جشن «فغدیه»، جشن خنک شدن هوا در خوارزم که «فغربه» هم گفته شده است.

سوم شهریور / اردیبهشت روز جشن «کشمین»، جشنی ناشناخته در سُغد باستان که با بازاری همگانی همراه بوده است.

چهارم شهریور / شهریور روز جشن «شهریورگان»، جشن آتشی در ستایش و گرامیداشت «شهریور» (در اوستایی «خَشْتَرَه وئیریه»، در پهلوی «شهرور») به معنای شهر و شهریار (شهرداری) آرمانی و شایسته، و بعدها نامی برای یکی از اُمشاسپندان. در «برهان قاطع» (جلد سوم، ص 1316) به عنوان زادروز «داراب» (کوروش) یاد شده است.

هشتم شهریور / دی به آذر روز «خزان جشن»، هنگام جشن خزان که از جشن‌های مهم و کهن بوده و با سوارکاری، چراغانی و آذین‌خانه‌ها و آتش‌افروزی بر بام‌ها همراه می‌شده است. برخی این جشن را در هجدهم شهریور (و گاه پانزدهم شهریور) دانسته‌اند. «جیمز موریه» در سفرنامه‌اش از آخرین کسانی است که به برگزاری این جشن در شهر دماوند اشاره کرده است.

پانزدهم شهریور / دی به مهر روز بازار همگانی دیگری در سُغد و فرارود (ماوراءالنهر) باستان. همچنین گردیزی در «زین الاخبار» جشن خزان را به این روز منسوب می‌دارد.

سی و یکم شهریور / روز زیادی جشن پایان فصل تابستان و زمان گاهنباری بنام «پتیه شهیم» در اوستایی «پتیتیش هَهیه» به معنای «پایان تابستان».

پیش از این و در کتاب «رصدخانه خورشیدی نقش‌رستم» با سازوکارهایی در آفتاب‌سنج‌های آن آشنا شدیم که نشانگر آغاز

هر یک از هفته‌های شهریورماه بودند. بی‌تردید آن شاخص‌ها با جشن‌های متعددی که در یکم، هشتم و پانزدهم شهریورماه، یعنی در آغاز هفته یکم، دوم و سوم این ماه برگزار می‌شوند، در پیوند هستند. حتی اگر همین جشن‌های شناخته شده امروزی، دیرینگی بسیار نداشته باشند، دستکم بازمانده‌ای از سنت جشن‌های دیرین در آن هنگام‌ها هستند.



جشن مهرگان ایرانیان در اورنج کانتی کالیفرنیا، دو تن از رقصندگان گروه بشکن

مهر ماه

فصل پاییز با نام‌های «پادیز/ پادیز»، «خزان» و «تیرماه/ تیره‌ماه» نیز شناخته شده است. نام پسین یا تیرماه در ادبیات فارسی و از جمله در شاهنامه فردوسی به همه فصل پاییز اطلاق شده است و امروزه نیز در تاجیکستان و شمال افغانستان تداول دارد.

یکم مهر / اورمزد روز روز جشن بزرگ «میشَرکَنَه / میتراکانا/ مهرگان»، بزرگترین جشن هخامنشی در ستایش و گرامیداشت «میترا» در نخستین روز ماه «باگایادی/ بَغیادی» (یاد خدا) و نیز آغاز سال نو در گاهشماری هخامنشی.

امروزه نیز سنت کهن آغاز سال نو از ابتدای پاییز با نام «سال وِرز»، در تقویم محلی کردان مُکری مهاباد و طایفه‌های کردان شکری باقی مانده است. در تقویم محلی پامیر (به ویژه دو ناحیه «وَنج» و «خوف») از نخستین روز پاییز (تیرماه) با نام «نوروزِ تیره‌ما» یاد می‌کنند. آغاز پاییز به عنوان آغاز سال نو زراعی همچنان در میان کشاورزان رایج است. همچنین بیرونی از این روز با عنوان «نیم‌سَرده» (نیمه سال) نام برده است.

هنگام اصلی جشن «مهرگان» نیز در اصل در چنین روزی بوده که بعدها به شانزدهم مهرماه منتقل شده است. در ادبیات کهن فارسی نیز همواره جشن مهرگان با نخستین روز فصل پاییز برابر دانسته شده است.

سیزدهم مهر / تیر روز یکی دیگر از جشن‌های تیرگان، در گرامیداشت ستاره باران آور «تیشتر / شباهنگ / شِعرا یمانی» و در خوارزم باستان به نام «چیری روچ/ تیر روز» (← سیزدهم فروردین و سیزدهم تیر).

ادامه و نشانه‌هایی از این جشن کهن همچنان در آیین قالیشویان اردهال در غرب کاشان دیده می‌شود (امروزه در دومین آدینه مهرماه). مراسم قالیشویان اردهال بازمانده‌ای از جشن تیرگان و دعا و آرزو برای بارش باران، و همانند بسیاری از جشن‌های ایرانی با یک بازار همگانی و بزرگ توأمان است. نیایشگاه اردهال می‌بایست یکی از معابد «تیشتر» در ایران باستان بوده باشد و در بسیاری از باورهای ایرانی بین دعای باران و تابوت یا شستشوی مردگان، پیوندهایی وجود دارد.

شانزدهم مهر / مهر روز جشن «مهرگان»، جشنی بزرگ در ستایش ایزد «میتره / میترا» (و بعدها «مهر»). در اصل در نخستین روز مهر (← یکم مهر) و بعدها در شانزدهمین روز این ماه.

همچنین روز برگزاری جشن هخامنشی «مغوثی / مگوفونیا»، روز نجات ایران از غلبه مغان.

بیست و یکم مهر / رام روز جشن «رام‌روزی» (در خوارزم باستان «رام روچ»)؛ و نیز روز غلبه کاوه و فریدون بر ضحاک

آبان ماه

دهم آبان / آبان روز روز جشن بزرگ «آبانگان» در گرامیداشت ستاره روان (سیاره) درخشان «آنهیتَه / آناهید (زهره)» و رود پهناور و خروشان «آردوی / آمو (آمودریا)»، و بعدها ایزد بانوی بزرگ «آب»ها در ایران.

دوازدهم آبان / ماه روز برابر با سیزدهم تیرماه تقویم طبری و روز جشن تیرگان در مازندران که «تیرماه سیزه شو» نامیده می‌شود.

پانزدهم آبان / دی به مهر روز جشن میانه فصل پاییز و زمان گاهنباری بنام «ایاثرم» در اوستایی «ایاثرمه» به معنای «آغاز سرما».

بیست و هفتم آبان / آسمان روز برابر سیزدهم تیرماه دیلمی و روز جشن تیرگان در گیلان که به نام «تیرجشن» و «گالشی جشن» شناخته می‌شود.

آذر ماه

یکم آذر / اورمزد روز روز برگزاری «آذر جشن»، یکی دیگر از جشن‌های در پیوند با آتش به مناسبت فرا رسیدن ماه آذر و برافروختن نخستین شعله زمستانی.

نهم آذر / آذر روز جشن «آذرگان»، جشن آتش دیگری در گرامیداشت «آذر / آتر» و ایزد منسوب به آن.

سی‌ام آذر / انارام روز جشن «شب چله» یا «یلدا»، انقلاب زمستانی و جشن زایش خورشید. ایرانیان در این شب با فراهم آوردن خوراکی‌های گوناگون تا بامداد به انتظار دیدار نخستین پرتوهای خورشید بیدار می‌نشسته‌اند. بیرونی در «آثارالباقیه» از آن با نام «میلاد اکبر» نام برده و منظور از آنرا «میلاد خورشید» دانسته است. تقویم میلادی نیز با اندک تغییراتی ادامه همین میلاد است که بعدها آنرا به میلاد مسیح نسبت داده‌اند.

همچنین هنگام جشن پایان پاییز و نیز نیمه سال و گاهنباری به نام «مید یارم» در اوستایی «مَئِذْ یائِثِرِیَه» به معنای «میان سال» و منظور سال گاهنباری است با مبدأ آغاز تابستان.

دی ماه

یکم دی / اورمزد روز از گرامی ترین روزهای ایرانیان به نام «خرم روز / خور روز (خورشید روز)» یا جشن «نودروز» (نود روز تا نوروز).

آغاز سال نو در برخی تقویم های ایران باستان که هنوز نیز در پامیر و بدخشان بکار گرفته می شود. دیده شدن خورشید در این روز نه تنها «زایش خورشید» (← سی ام آذر) را نوید می دهد، بلکه آغاز روز، ماه، فصل و سال جدید نیز بوده است. همچنین هنگام جشنی با نام «آب نو» در آذربایجان همراه با تعویض آب آب انبارها با آب تازه و با مراسمی همگانی.

پنجم دی / سپندارمذ روز جشنی همراه با بازار عمومی در سغد باستان.

یکم، هشتم، پانزدهم و بیست و سوم دی چهار جشن منسوب به «دی / دادار» (خداوند / هرمزد). کوشیار گیلانی در «زیج جامع» این روزها را «دی جشن» می نامد.

چهاردهم دی / گوش روز جشن «سیر سور»، جشن گیاه خواری و به ویژه خوردن سیر. و نیز روز غلبه دیوان و کشته شدن جمشیدشاه در روایت های ایرانی. (در شاهنامه فردوسی نیز پدیده گوشتخواری پس از جمشید رواج می یابد).

پانزدهم دی / دی به مهر روز جشنی همراه با ساخت تندیس ها و پیکر تراشی هایی به شکل انسان و گاه سوزاندن آن. در برخی متون از این روز بنام «بتیکان» یاد شده است که به احتمال شکل تغییر یافته «دییگان» است.

شانزدهم دی / مهر روز هنگام جشن «درامزینان» یا «کاکتل / کاکتل» در متون ایرانی. جشنی بسیار کهن و اسطوره ای و ناشناخته که نام های گوناگون آن ارتباط آن با «درفش کاویان» و «گاو کتل / گاو درفش» را نشان می دهد. در این روایت ها «فریدون» نیز جایگاه شاخصی دارد و می دانیم که در باورهای کهن، پیوندهای بسیاری میان فریدون و گاو وجود دارد (مانند پرورش فریدون توسط «گاو پُر مایه / بَر مایه» و گرز «گاو سر» فریدون). گونه های مختلف نام های این روز و این مراسم، همانند بسیاری از دیگر نام های کهن، نشانه دیرینگی این آیین و فراموش شدن شکل اصلی نام آنست. این روز احتمالاً در پیوند با دیده شدن صورت فلکی «گاو / ثور» نیز بوده است.

بیست و سوم یا بیست و چهارم دی / دی به دین روز یا دین روز برابر با سیزدهم ژانویه و جشن تیرگان ارمنیان ایران.

بهمن ماه

دوم بهمن / بهمن روز جشن «بهمنگان»، جشنی در ستایش و گرامیداشت «بهمن» (در اوستایی «وهُمَنَه»، در پهلوی «وَهْمَن») به معنای «اندیشه نیک» و بعدها یکی از اَمَشاسپندان. در این روز آشی به نام «آش بهمنگان» یا «آش دانگو» به صورت گروهی پخته می‌شده است که نام «دانگو / دانگی» برگرفته از همین سنت اشتراکی آن است.

پنجم بهمن / سپندارمذ روز پنج روز پیش از جشن سده و جشنی به نام «نوسره».

دهم بهمن / آبان روز شامگاه این روز، هنگام جشن بزرگ «سَدَه / سده‌سوزی» در چهلمین روز پس از «یلدا» (زایش خورشید). متون کهن جشن سده را در آبان‌روز از بهمن‌ماه و در «چَلَه» زمستان دانسته‌اند که برابر با دهم بهمن‌ماه می‌شود. جشن سده در نواحی گوناگون با نام‌های مختلفی شناخته می‌شود: در خراسان «سَرِه»، در حوالی اراک «جشن چوپانان»، در خمین «کُردِه»، در دلیجان «هله‌هله» و در بدخشان تاجیکستان به نام «خِرپچار» دانسته شده است. بتازگی زرتشتیان نیز کوشش می‌کنند تا این جشن را برگزار کنند. در فراهان، سنگسر سمنان و جاهایی دیگر، چهار روز پیش و پس از سده را «چاروچار» و سردترین شب‌ها می‌دانند که سده در میانه آن جای گرفته است. همچنین هنگام جشن و نمایش «کوسه‌ناقالدی» که دو نفر در کوزه‌ها به نوازندگی و سرودخوانی می‌پردازند. یکی از این دو نفر نقش «کوسه» و دیگری نقش «تَکِه / تَگِه» (بُز نر) را به عهده می‌گیرد. «کوسه» با پوشیدن جامه‌های خنده‌آور، دست و صورت خود را سیاه کرده و «تَکِه» پوست بز یا دو شاخ بر سر کشیده و دست و صورت خود را سپید می‌کند. گاه پسر نوجوانی نیز در نقش زن کوسه به نمایش می‌پردازد. این مراسم در گیلان نیز با نام «آینه تکم» برگزار می‌شود. این نمایش شباهت فراوانی با «کوسه‌سواری» (← یکم اسفند) و نیز «حاجی فیروز» نوروزی دارد و بی‌تردید با آیین‌های «باران‌خواهی» در پیوند است. پیوند دادن جشن سده به هوشنگ‌شاه، اشتباهی متداول و ناشی از دخل و تصرف در شاهنامه فردوسی بوده است. مهمترین دلیل پیدایش این جشن، انجام آیین‌هایی نمادین برای کاستن از شدت سرما و نیز چهلمین زادروز خورشید است.

پانزدهم بهمن / دی به مهر روز جشن میانه زمستان و گاهنباری فراموش شده که دلیل فراموشی آن دانسته نیست. با این وجود برخی دیگر از جشن‌های میانه زمستان، بازمانده‌ای از این گاهنبار هستند. همچنین آغاز سال نو در تقویم‌های شمال‌غربی هندوکش در افغانستان امروزی؛ آغاز سال نو در تقویم‌های محلی لرستان، بختیاری و کردستان (بنام «وهار کردی»). همچنین هنگام جشن مهرگان («میر ما / مهرماه») در تقویم طبری؛ و نیز همین ایام، زمان برگزاری جشن «پیر شالیار / پیر شهریار» در «اورامانات» کردستان.

بیست و دوم بهمن / باد روز جشنی بنام «بادروزی» یا «کژین» در گرامیداشت «باد» در اوستایی «واتَه» و ایزد نگاهبان آن با همین نام که از بزرگترین ایزدان ایرانی در باورهای «زروانی / زروانی» بشمار می‌رفته است. کوشیار گیلانی در «زیج جامع» از آن با نام «باذوره» یاد کرده است. این جشن نیز با بازار همگانی همراه بوده و در آن روز ریسمان‌هایی از نخ هفت‌رنگ را به آغوش باد می‌سپردند.

بیست و پنجم بهمن / ارد روز برابر 13 یا 14 فوریه و جشن آتش ارمنیان به نام «درنلرز».

سی ام بهمن / انارام روز جشن آبریزگان دیگری که با نام «آفریجگان» نیز شناخته شده است. همچنین هنگام جشن مهرگان («میر ما») در تقویم دیلمی و در گیلان.



زن روستائی در حال حمل سینی پر از میوه و شیرینی و آجیل برای پذیرائی از میهمانان در مراسم چهارشنبه سوری روستای لئقلان، 18 کیلومتری شرق هوراند، 150 کیلومتری شمال شرق تبریز، شهرستان اهر

اسفند ماه

یکم اسفند / اورمزد روز جشن «اسفندی» و هدیه به زنان در نیاسر کاشان، اقلید و محلات؛ و پختن آش «اسفندی». آغاز سال نو در تقویم محلی نطنز، ساوه و کاشان. در فراهان معروف به «آفتو به حوت» (آفتاب در برج ماهی).

همچنین جشن «آبسالان / بهار جشن / جشن روباه» به مناسبت روان شدن جویبارها و طلوع بهار. خجستگی دیدار روباه. (واژه «آبسالان» با «آبشار» و فشار آب‌ها در پیوند است. در متون کهن، هنگام این جشن به گونه‌های مختلفی آمده است که مانند بسیاری از دیگر دگرگونی‌ها ناشی از محاسبه زمان با تقویم‌های گوناگون و کیسه‌گیری‌های متنوع بوده است.

همچنین روز جشنی به نام «کوسه‌سواری / کوسه برنشین». مراسم نمایشی خنده‌آور که توسط مردی کوسه‌رو که بر درازگوشی سوار بوده برگزار می‌شده است. کوسه خود را باد می‌زده و مردم به او آب می‌پاشیده‌اند.

پنجم اسفند / سپندارمذ روز جشن «اسفندگان»، جشنی در ستایش و گرامیداشت «اسفند / سپندارمذ» (در اوستایی «سپنته آرمئیتی»، در پهلوی «سپندارمذ») به معنای فروتنی پاک و مقدس و بعدها یکی از امشاسپندان. نگهبان و ایزدبانوی زمین سرسبز. جشن «سپندارمذگان / اسفندگان»، روز گرامیداشت زنان در ایران باستان بوده و این روز بنام «مردگیران» (هدیه گرفتن از مردان) در ادبیات فارسی بکار رفته است. بجز این بنام روز جشن «برزگران / برزیگران» (به مناسبت سبزکنندگان زمین

و سبز شدن زمین) نیز خوانده شده است.

دهم اسفند / آبان روز جشن «وخشنگام» در گرامیداشت رود «آمودریا / جیحون»، بزرگترین رود سرزمین‌های ایرانی. این نام از بزرگترین شاخه آمودریا بنام رود «وخش» برگرفته شده است. بیرونی «وخشنگام» را «فرشته جیحون» می‌داند و می‌بایست با «آناهیتَه / آناهید» اینهمانی داشته باشد.

نوزدهم اسفند / فروردین روز جشن «نوروز روده‌ها»، گرامیداشت، لایروبی و پاکسازی رودها، کاریزها و چشمه‌ها همراه با پاشیدن عطر و گلاب بر آنها.

بیستم اسفند / بهرام روز جشن «گلدان» یا «اینجه»، روز آماده‌سازی و کاشت گل‌ها و گیاهان در گلدان‌ها و نیز جشن درختکاری.

بیست و ششم اسفند / استاد روز جشن «فروردگان»، جشنی در یادکرد و بزرگداشت روان و فرور (فروهر) در گذشتگان در این روز و تا پایان سال. این نام به گونه‌های «فرورگان / فرودگان» نیز آمده است.

بیست و نهم یا سی ام اسفند / ماتره سپند روز یا انارام روز (آخرین روز سال) جشن پایان فصل زمستان و زمان گاهنباری بنام «هَمَسَپَت مَدَم» در اوستایی «هَمَسَپَت مَئیدیه» به معنای «برابری شب و روز / برابری سرما و گرما». همچنین هنگام جشن «اوشیدر» در سیستان به آرزوی فرا آمدن سوشیانت. در این روز مردمان دختری را بر شتری آذین شده می‌نشانند و همراه با شادی و سرود او را برای آب‌تنی به آب‌های دریاچه هامون می‌برند. (← سیزده بدر). گرامیداشت درگذشتگان در سغد و امروزه نیز در بسیاری نواحی گوناگون. جشن «علفه» در خمین، همراه با بردن علف‌های صحرائی به خانه و روشن کردن چراغی در همه اتاق‌ها.

شامگاه آخرین روز سال در بسیاری از نواحی ایران بر بام‌ها آتش می‌افروزند.



چهارشنبه سوری، کاخ چهل ستون اصفهان

جشن‌هایی با زمان‌های متغیر

برخی دیگر از جشن‌ها و گردهمایی‌های ایران در زمان ثابتی برگزار نمی‌شوند و به پدیده‌ای طبیعی و یا به روز خاصی در هفته وابسته هستند. در اینجا بطور خلاصه به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

جشن «بیل گردانی» در روستای «نیمه‌ور» محلات، به مناسبت پایان لایروبی و جوی‌روبی. این مراسم در فاصله بین نوروز تا سیزده‌بدر و همراه با بازی‌های آیینی و نمایشی برگزار می‌شده و متأسفانه امروزه فراموش شده است.

جشن «گلاب‌گیری» در نیاسر و قمصر کاشان، در میانه‌های اردیبهشت‌ماه و به مناسبت آغاز هنگام چیدن «گلِ گلاب» و گلاب‌گیری.

جشن «علم‌واچینی» یا «جشن خرمن» در گیلان و در یکی از جمعه‌های پایان تابستان، به مناسبت اتمام درو کردن محصول و پایان سال زراعی.

جشن برفی به مناسبت «نخستین برف سال» در بخش‌هایی از آسیای میانه، محلات، خمین و مناطق دیگری در ایران، به مناسبت بارش نخستین برف سال. این مراسم در آسیای میانه همراه با نمایش‌ها و بازی‌های گروهی و سیاه کردن سر و صورت کسی برگزار می‌شود. پختن آش دسته‌جمعی و اشتراکی در صحرا از ویژگی‌های این جشن است.

جشن «چارشنبه‌سوری» در سراسر ایران زمین در شب آخرین چارشنبه سال همراه با آتش‌افروزی و پریدن از روی آن. این جشن با «آب» نیز در پیوند است و در برخی نقاط، پریدن از روی نهر یا آوردن آب از چشمه توسط دختران و شکستن کوزه‌های آب دیده شده است. در شیراز دختران و زنان از بامداد چارشنبه‌سوری تا پایان روز به آب‌تنی در چشمه کنار آرامگاه سعدی می‌پردازند و پسانگاه پسران و مردان آنرا ادامه می‌دهند. در آذربایجان (و نیز در جمهوری آذربایجان/آران) جشن چارشنبه‌سوری در هر چهار چارشنبه اسفندماه برگزار می‌شود. برخی جشن چارشنبه‌سوری را به دلیل نبودن روزهای هفته در ایران باستان، جشنی نوساخته قلمداد می‌کنند در حالی که این پندار درست به نظر نمی‌رسد. هر چند که از دلایل و دیرینگی چارشنبه‌سوری آگاهی چندانی در دست نیست، اما شواهد متعددی در وجود نام روزهای هفته در ایران باستان در دست است و از جمله در شاهنامه فردوسی هم به نام روزهای هفته و هم به جشن آتشی در «چارشنبه‌روز» اشاره شده است. با توجه به شواهد موجود، احتمال می‌رود که این جشن با جشن «فروردگان» در بیست و ششم اسفند و نیز با خانه‌تکانی پایان سال و پاکیزگی خانه در پیوند باشد. پریدن از روی آتش نیز برخلاف برخی پندارها بهیچوجه بی‌احترامی به آتش نیست، بلکه این کار بگونه‌ای نمادین برای سوزاندن و پاک کردن همه بدی‌ها و نادرستی‌ها و کدورت‌ها انجام می‌شود. سرودها و ترانه‌های معروف چارشنبه‌سوری نیز به این نکته اشاره دارند.

جشن «لعل جبه» در افغانستان و به ویژه در شهر کابل در هر چهار آدینه روز اسفندماه و همراه با بازار همگانی. در باورهای مردمی این جشن در گرامیداشت پهلوان جوانی بنام «لعل جبه» که بخاطر نجات میهن در حمله دشمنان جان باخت، برگزار می شود.

جشن «گل سرخ» به مناسبت شکوفایی این گل در اواخر زمستان یا اوایل بهار. برگزاری این جشن در شمال افغانستان، آسیای میانه، شیراز و کردستان، گزارش شده است. منظور از «گل سرخ»، گلی است که امروزه با نام «شقایق» شناخته می شود.

جشن «بابای دهقان» به مناسبت آغاز هنگام شخم زدن زمین. در این جشن بجز شادی و سرور، از پیرمرد خوشنام و خوش یمنی می خواهند که نخستین حرکت گاو آهن و مقداری از شخم زدن زمین، توسط او انجام پذیرد. این آیین از مازندران و گیلان، کرمان، خراسان، افغانستان (بویژه بامیان و هزاره جات) و آسیای میانه گزارش شده است. در بسیاری جاها و از جمله در بامیان، گاو را به گونه زیبایی با پارچه های رنگی آذین می کنند.

جشن «شاندر» یا جشن انگور در آذربایجان غربی و در اواخر تابستان. در این جشن با شادی و بازی های گروهی، هر کس بهترین انگورهای تاکستان خود را برای انتخاب بهترین ها به مسابقه می گذارد.

جشن «انار» در بخش «تارم / طارم» استان قزوین و در اواخر تابستان یا اوایل پاییز. در این جشن که با نواختن ساز و دهل و دایره همراه است، برای آغاز چیدن انار به انارستان ها می روند. مردم چیدن انار پیش از این جشن را ناشایست می دانند.

جشن «فندق» در روستاهای منطقه «رودبار» قزوین و در میانه های تابستان. در این جشن مردم با سرود و ترانه خوانی آغاز به چیدن فندق می کنند و دختران با فندق ها برای نامزدان خود گردن بند فراهم می کنند.

جشن نخستین شنبه و چارشنبه سال در جنوب خراسان. در این دو روز مردم مانند سیزده بدر به صحرا و بویژه به کشتزارها روی می آورند و به پختن آش رشته و شادی می پردازند.

همچنین جشن های متعدد دیگری مانند طلوع سیارگان «مشری / هرمزد» و «ناهید / زهره»، باز بردن رمه ها از آغل به صحرا، گردآوری محصول زراعی، نخستین باران سال و بسیاری مناسبت های کیهانی و طبیعی دیگر که با زندگی روزمره مردم و با اقتصاد زراعی، دامی و معیشتی آنان در پیوند است.

<http://www.ghiasabadi.com/zamanejashnha.html>